

نقش عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر در پیش‌بینی اضطراب دختران نوجوان

حلیمه محمدی برمی*

حسین کشاورز افشار**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر در پیش‌بینی اضطراب دختران نوجوان بود. این یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل ۲۵۰۰ نفر از دانش‌آموزان دخترانه دبیرستانی دوره دوم متوسطه منطقه ده شهر تهران بود که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای تعداد ۲۵۰ نفر در نظر گرفته شدند و پرسشنامه اضطراب بک (۱۹۸۸) بین آن‌ها توزیع گردید. سپس مادرانشان پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI)، و پرسشنامه ابزار سنجش خانواده (FAD) را تکمیل کردند. داده‌ها به وسیله روش تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بین عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد ($P < 0/01$) و هر یک به ترتیب ۳۳ درصد و ۳۴ درصد واریانس اضطراب فرزندان را تبیین می‌کنند. نتایج حاکی از ارتباط معنی‌دار بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده (حل مسئله، روابط، نقش‌ها، پاسخ‌گویی اثربخش، درگیری اثربخش، کنترل رفتار و کارکرد کلی) با اضطراب فرزندان نوجوان می‌باشد. بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی با اضطراب فرزندان نوجوان به جز خرده‌مقیاس جایگاه من رابطه معکوس دیده شد. در پایان با عنایت به نتایج پژوهش چنین بر می‌آید که

* کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، honeymohammadi.b@gmail.com

** استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، keshavarz1979@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۳

عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر به جز در مورد خرده مقیاس جایگاه من یکی از عوامل تاثیرگذار در پیش‌بینی اضطراب دختران نوجوان می‌باشد ($P < 0/01$).

کلیدواژه‌ها: اضطراب، عملکرد خانواده، تمایز یافتگی مادر، دختران، نوجوانان.

۱. مقدمه

نوجوانی دوره‌ای است که مصادف با تغییر و انتقال در استقلال نسبی از والدین و وابستگی به گروه همسالان و دوستان، رشد و تحول مفهوم خود و هویت یابی اجتماعی و جنسی، انتخاب رشته تحصیلی، برنامه ریزی برای دانشگاه و انتخاب شغل بوده است (Steinberg, 1990: 255). اینها هر یک زمینه‌هایی هستند که برای نوجوانان تنیدگی‌هایی را ایجاد می‌کنند (Fournet, et al, 1998). این عوامل تنیدگی‌زا توأم با خواست‌ها و تقاضای‌های آموزشی در محیط مدرسه و انتظارات والدین از نوجوانان، سلامت و بهداشت روانی آنها را به مخاطره می‌اندازد و بر عملکرد کلیو تحصیلی آنها تأثیر منفی می‌گذارد (Niemi, 1999: 11). پژوهش‌ها حاکی است افرادی که در رویارویی با چنین مسائلی فاقد توانایی‌های لازم و اساسی هستند، آسیب‌پذیر بوده و مشکلاتی نظیر افسردگی، اضطراب، تنهایی و احساس طرد شدگی، کمرویی، خشم، تعارض بین فردی و ... را تجربه می‌کنند. در عین حال پژوهش‌های بیشماری حاکی است بسیاری از مشکلات بهداشتی و اختلالات روانی - عاطفی ریشه‌های روانی - اجتماعی دارند و ارتقای مهارت‌های مقابله‌ای و توانایی‌های روانی - اجتماعی در بهبود و سلامت روانشناختی افراد بسیار مؤثر است. این توانایی‌ها فرد را برای مقابله مؤثر با موقعیت‌های تعارض‌زا یاری می‌کند و شخص را قادر می‌سازد تا در رابطه با سایر افراد جامعه، فرهنگ و محیط خود به گونه‌ای مثبت و سازگارانه عمل کرده و سلامت به ویژه سلامت روانی خود را تامین کند. به همین دلیل در سالهای اخیر آموزش مهارت‌های زندگی (Life Skills) برای آماده نمودن افراد هنگام مقابله با مشکلات و فشارهای زندگی و ایجاد رفتارهای مثبت و کاهش رفتارهای منفی و در نتیجه دستیابی به زندگی موفقیت‌آمیز، مورد توجه روانشناختی و دست‌اندرکاران نظام‌های آموزشی قرار گرفته است.

عملکرد خانواده تلاش مشترکی برای برقراری و حفظ تعادل در خانواده است (ثنایی، ۱۳۸۰: ۱) و به توانایی در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای

مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده اشاره دارد. تغییرات کمی و کیفی در این فرایند باعث شکل‌گیری شخصیت متفاوت در اعضای خانواده می‌شود و در بیشتر موارد با وجود اینکه ممکن است پشتوانه‌ای برای سلامت رفتاری افراد باشد، مشکلات رفتاری خاصی را ایجاد می‌کند که به عوامل متعددی بستگی دارد (کدیور و همکاران، ۱۳۸۳). عملکرد کل خانواده را می‌توان در ابعاد مختلفی نظیر حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار بررسی کرد (ثنایی، ۱۳۸۰: ۱). کارکردهای خانواده، ممکن است کاملاً متنوع باشد، اما کارکرد اصلی خانواده باید برآوردن نیازهای فردی اعضای خانواده باشد. به طور مثال در شرایط وارد شدن لطمه شدید به یکی از اعضای خانواده این نیازها ممکن است به شکل تقاضای فزاینده برای منابع و وقت خانواده درآیند. برای پاسخگویی به نیازهای فراوان خانوادگی می‌توان رویکردهایی را برای مداخله طرح ریزی کرد. توانایی سازگاری با تغییر، نشان کارکرد سالم خانواده است (محمدی زاده و همکاران، ۱۳۸۵).

اضطراب احساس مبهم ترس یا هراس و پاسخ به محرک‌های داخلی و خارجی است که می‌تواند علایم رفتاری، عاطفی، شناختی و فیزیکی داشته باشد و شایع‌ترین واکنش روانی هنگام استرس است که به طور معمول همه انسان‌ها آن را تجربه می‌کنند و اغلب قبل از تجربیات جدید درک می‌شود و به عنوان تهدیدی برای هویت و اعتماد به نفس است. (سادات حسینی، ۱۳۹۰).

اضطراب اجتماعی نتیجه‌ای است از احتمال یا وقوع نوعی ارزیابی شخصی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی. به دیگر سخن، فردی که دچار اضطراب اجتماعی است هیچ‌گونه تمایلی به آغاز ارتباط با دیگران ندارد و با احساسی از ترس و پایداری غیر معقول، از هر موقعیتی که ممکن است در معرض داوری دیگران قرار گیرد، اجتناب می‌ورزد (افروز، ۱۳۸۶). یکی از ویژگی‌های افراد مضطرب، نگرانی آنها درباره‌ی اشتباهات خویش است و حتی وقتی به گونه‌ای مناسب عمل می‌کنند عملکرد خود را نامناسب ارزیابی می‌کنند (بانرجی، ۲۰۰۵).

از دیدگاه DSM-5 اضطراب پیش‌بینی ترس در آینده است. اضطراب با تنش عضلانی و گوش به زنگی هنگام آماده شدن برای خطرها و هشدارها یا رفتارهای اجتنابی ارتباط دارد منبع پیش‌بینی نشده می‌تواند درونی یا بیرونی باشد. (راهنمای تشخیصی آماری اختلالات روانی، ۲۰۱۳؛ سیدمحمدی، ۱۳۹۳: ۲۷۸).

علایم و نشانه‌های فیزیولوژیک، احساسی و رفتاری اضطراب به صورت‌های گوناگونی در افراد مختلف ظاهر می‌شوند. علایم فیزیولوژیک اضطراب شامل تغییر اشتها، سردرد، کشش عضلانی، خستگی یا بی‌حالی، تغییر وزن، دل‌آشوبه، تپش قلب، بی‌قراری، اختلال خواب است. علایم عاطفی اضطراب به صورت احساس کسالت، کاهش قدرت تمرکز، فراموشی، کاهش کارایی، نگرش‌های منفی، افکار بیهوده، بی‌حوصلگی، ناامیدی، نگرانی، تحریک‌پذیری دیده می‌شود. علایم ارتباطی اضطراب شامل انزوا، عدم صمیمیت بوده و علایم روحی آن به صورت بی‌تفاوتی، احساس تهی‌بودن، از دست دادن معنی و مفهوم عشق و بی‌هدفی می‌باشند. (عابد سعیدی، ۱۳۹۱).

تمایز یافتگی که پایه‌ی نظریه بوئن (۱۹۷۶) را تشکیل می‌دهد بیانگر این است که فرد باید به آن اندازه از بلوغ عاطفی رسیده باشد که بتواند با خانواده اصلی خویش ارتباط برقرار کند بدون اینکه به روش غیرارادی و هیجانی در مواجهه به موقعیت‌های گوناگون، واکنش نشان دهد. در واقع سطح تمایز یافتگی هر فرد مبین میزان توانایی او در تفکیک فرایندهای عقلی و احساسی است (Selm, 2002). همچنین مفهوم تمایز یافتگی به توانایی تجربه صمیمیت با دیگران و در عین حال استقلال از دیگران اشاره دارد (Klever, 2009: 303) یکی از ویژگی‌های خانواده‌های سالم کمک به اعضای خود برای تمایز یافتگی است به این معنا که افراد خانواده یاد بگیرند بین کارکرد عقلانی و احساسی خود تمایز قایل شوند و نیز کارکرد خود را از اعضای خانواده تفکیک کنند (Selm, 2002). به عقیده بوئن، روابط انسانی از دو نیروی برقرار کننده تعادل زندگی مشتق می‌شود: فردیت و با هم بودن. هر یک از ما نیازمند همنشینی، و تا اندازه‌ای استقلال هستیم. چیزی که زندگی را جالب و نوامید کننده می‌سازد، گرایش نیازهای ما به قطبی شدن است (نیکولز و شوارتز، ۲۰۰۶؛ دهقانی و همکاران، ۱۳۸۷). مفهوم تمایز یافتگی بیانگر میزان توانایی فرد برای تفکر واقع بینانه راجع به موضوعات سرشار از عاطفه در خانواده می‌باشد. براساس نظریه بوئن تمایز یافتگی در دو بعد درون‌روانی و بین‌فردی خود رخ می‌دهد. در سطح درون‌روانی، تمایز، دربرگیرنده‌ی توانایی شخص جهت آزمون متفکرانه موقعیت‌ها، آگاهی کامل از عواطف و هیجانات شخصی و دلایل منطقی یا تجارب موثر وابسته به نیازهای موقعیتی است (نظری انامق، ۱۳۸۸). بوئن معتقد است سطح تمایز یافتگی فرد در بین خانواده مبدا رشد می‌کند، به شدت تحت تاثیر پویایی‌ها و تعاملات بین اعضای خانواده خود قرار دارد و در زندگی آینده فرد اثر می‌گذارد (استریت، ۲۰۰۵؛ تبریزی و همکاران، ۱۳۸۲).

این پژوهش به منظور یافتن رابطه عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان آنها در میان دانش آموزان دختر دبیرستانی انجام می‌پذیرد. در حالی که عملکرد خانواده و تمایز یافتگی می‌تواند محیطی حمایتی و منسجم برای نوجوانان فراهم آورد و از آنجایی که پژوهشی یافت نشد که رابطه این دو متغیر را با هم بسنجد بنابراین بر اهمیت و ضرورت پژوهش بر رابطه بین عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر با اضطراب دختران نوجوان تاکید می‌گردد.

۲. اهداف تحقیق

۱.۲ هدف کلی

- عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر اضطراب فرزندان نوجوان را پیش‌بینی می‌کند.

۲.۲ هدف‌های فرعی

- تعیین رابطه عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان .
- تعیین رابطه تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان.

۳. فرضیات تحقیق

- ۱-۳ بین عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.
- ۲-۳ بین تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.
- ۳-۳ بین عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.

۴. روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر به دلیل اینکه بررسی نقش عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر، متغیر پیش‌بیند رپیش‌بینی اضطراب دختران نوجوان به عنوان متغیر ملاک توصیفی همبستگی است.

جامعه آماری این پژوهش عبارتند از کلیه دانش آموزان دختر در ۸ دبیرستان منطقه ۱۰ تهران (دوره دوم متوسطه شامل پایه های دوم، سوم و پیش دانشگاهی) که در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ به تعداد ۲۵۰۰ نفر مشغول به تحصیل بودند.

روش نمونه گیری در این پژوهش، روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای می باشد به این ترتیب که از بین دبیرستانهای منطقه ده به طور تصادفی پنج دبیرستان انتخاب شد و در مرحله بعد از میان کلاسهای هر دبیرستان با توجه به همکاری اولیای مدارس یک، دو یا سه کلاس بطور تصادفی انتخاب گردید برای اجرای پژوهش پرسشنامه اضطراب بک بین دانش آموزان توزیع گردید و سپس به مادران آنها هم پرسشنامه، عملکرد خانواده و تمایز یافتگی جهت تکمیل داده شد. بنابراین نمونه آماری در این پژوهش تعداد ۳۰۰ نفر بودند که با توجه به عدم تکمیل پرسشنامه ها توسط مادران و دانش آموزان و ریزش افراد در نهایت نمونه مورد پژوهش از ۲۵۰ دانش آموز و ۲۵۰ مادرانشان تشکیل شد.

۵. ابزار پژوهش

پرسشنامه تمایز یافتگی خود (Differentiation of self inventory): پرسشنامه تمایز یافتگی خود، نخستین بار در سال ۱۹۹۸ توسط اسکورون و فرید لیندر (Skowron & Fried Lander) با ۴۳ عبارت طراحی و اجرا شد. سپس در سال ۲۰۰۳ توسط اسکورون و اسمیت مورد تجدید نظر قرار گرفت و پرسشنامه نهایی توسط جکسون (Jackson) با ۶۶ عبارت و ۴ عامل بر مبنای نظریه بوئن تنظیم شد. این پرسشنامه یک ابزار خودسنجی و گزارش شخصی است که به منظور ارزیابی تمایز یافتگی افراد بکار می رود و تمرکز اصلی آن روی بزرگسالان، ارتباط های مهم زندگی و روابط جاری افراد با خانواده های اصلی آنها است. این پرسشنامه، مقیاس بسیار مفیدی برای مشاوران و درمانگران خانواده است. (اسکورون و اسمیت، ۲۰۰۴) و چهار زیر مقیاس به شرح زیر است:

۱. واکنش هیجانی (ER): این خرده مقیاس دارای ۱۱ عبارت است که تمایل پاسخ به محرک های محیطی بر اساس پاسخ های خودکار و نیز طغیان هیجانی را می سنجد.
۲. جایگاه من (IP): این خرده مقیاس دارای ۱۱ عبارت است که حس من بودن و توانایی وفاداری به آنچه که فرد به آن معتقد است (حتی زمانی که برای انجام خلاف آن تحت فشار باشد) را می سنجد.

۳. جدایی عاطفی (EC): این زیر مقیاس دارای ۱۲ عبارت است که ترس از صمیمیت یا غرق شدن در روابط نزدیک و رفتارهای دفاعی برای مقابله با این ترس ها را مشخص می کند.

۴. هم آمیختگی با دیگران (FO): این زیر مقیاس در فرم تجدید نظر شده مورد بازبینی قرار گرفت و دارای ۹ عبارت است و درگیری عاطفی شدید با افراد مهم و هویت سازی شدید با یکی از والدین را منعکس می کند (اسکورون و دندی، ۲۰۰۴).

در رابطه با پایایی این مقیاس نتایج تحقیقات انجام شده توسط اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳) اعتبار و روایی بالایی را نشان دادند. پایایی فرم تجدید نظر شده آن با روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲ بود. ضریب همسانی زیر مقیاس های این پرسشنامه به این شرح گزارش شده است: واکنش هیجانی: ۰/۸۹، جدایی عاطفی: ۰/۸۴، جایگاه من: ۰/۸۱، هم آمیختگی با دیگران: ۰/۸۶. ضریب آلفای گزارش شده توسط اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) برای پرسشنامه تمایز یافتگی خود ۰/۸۸ است. در پژوهش اسکورون و اسمیت (۲۰۰۴) ضریب آلفای کل آزمون ۰/۹۲ بدست آمده است بهات (۲۰۰۱). در پژوهش خود پایایی درونی را از طریق روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه تمایز یافتگی ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس واکنش عاطفی: ۰/۸۱، جایگاه من: ۰/۶۹، گریز عاطفی: ۰/۶۵، و برای هم آمیختگی با دیگران: ۰/۶۰.

این آزمون در ایران توسط یونسی (۱۳۸۵) بر روی نمونه های عادی هنجاریابی شده و اعتبار آن از طریق باز آزمایی و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۵ اعلام شد. ضریب همسانی زیر مقیاس های این پرسشنامه نیز به این شرح گزارش شده است: واکنش هیجانی: ۰/۷۷، جایگاه من: ۰/۶۰، جدایی عاطفی: ۰/۸۴، هم آمیختگی با دیگران: ۰/۷۰. رابطه میان DSI-R با اضطراب مزمن کمتر، رضایت زناشویی بالا متمرکز بر مشکل، شواهدی برای اعتبار سازه این مقیاس فراهم کرده است (اسکورون و دندی، ۲۰۰۴).

ابزار سنجش خانواده (FAD) (Family Assessment Device): این ابزار یک پرسشنامه ۶۰ عبارتی است که برای سنجش کارکرد خانواده توسط اپشتاین (Epstein)، بالودین (Baldwin) و بیشاب (Bishop) در سال ۱۹۸۳ بنابر الگوی مک مستر (Mc Master) تدوین شده است. برای افزایش روایی ۷ عبارت به سه مقیاس از نسخه ۵۳ ماده ای اضافه شده است که برای اندازه گیری ابعاد مدل مک مستر از کارکرد خانواده یعنی حل مساله، ارتباط، نقش ها، پاسخ دهی عاطفی، آمیختگی عاطفی و کنترل رفتار ساخته شده است و یک ارزیابی از

کارکرد کلی بدست می‌دهد، بنابراین آن دارای ۷ زیر مقیاس است. به طور خلاصه حل مسئله نشانه توانایی خانواده برای حل مشکلات و نیز مراحل که برای این کار طی می‌کنند است. ارتباط به تبادل موثر، گسترده، روشن و مستقیم اطلاعات در خانواده اشاره می‌کند. نقش‌ها، به کارایی شیوه خانواده در توزیع و انجام وظایف اشاره می‌کند. وظایف شامل اموری است که برای فراهم کردن منابع (خوراک، پوشاک، سرپناه) پرورش و حمایت، رشد مهارت‌های زندگی و حفظ و اداره سیستم خانواده مثلا اداره خانه، کارهای مربوط به حیات، صورت الحساب‌ها، مسایل بهداشتی، قدرت و تصمیم‌گیری مربوط می‌شود. پاسخ‌دهی عاطفی راهکارهای اعضای خانواده برای دادن پاسخ هیجانی متناسب، چه احساسات مثبت (لذت، عشق، توجه، مهربانی، محبت) و چه منفی (غمگینی، افسردگی، ترس، خشم) را می‌سنجد. آمیختگی عاطفی به کیفیت علاقه، توجه و سرمایه‌گذاری اعضای خانواده در برابر یکدیگر اشاره می‌کند. کنترل رفتار معیارها و آزادی‌های رفتاری را توصیف می‌کند. آزمودنی برای هر ماده یکی از گزینه‌های: کاملا موافقم، موافقم، مخالفم را انتخاب می‌کند. بر طبق فرم اصلی هریک از اعضای خانواده که بیش از ۱۲ سال داشته باشد، می‌تواند FAD را پر کند. برای نمره‌گذاری FAD تمام پاسخ‌ها از ۱ تا ۴ کدگذاری می‌شوند. نمره پایایی مربوط به همسانی درونی شش زیر مقیاس ابزار سنجش کارکرد خانواده بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۳ گزارش شده است که بیانگر پایایی مطلوب زیر مقیاس‌های این آزمون است. همسانی درونی زیر مقیاس کارکرد کلی نیز ۰/۹۲ بوده است. این پرسشنامه در ایران توسط محمدی زاده و ملک خسروی هنجاریابی شده است. ضریب آلفای کرونباخ زیر مقیاس‌ها بدین شرح گزارش شده است: حل مساله: ۰/۷۲، نقش‌ها: ۰/۷۱، آمیختگی عاطفی: ۰/۷۳، پاسخ‌گویی عاطفی: ۰/۷۱، کنترل رفتاری: ۰/۶۶ و کارکرد کلی: ۰/۸۲ می‌باشد. نمرات ابزار سنجش خانواده دانشجویان کالج و کسانی که یکی از بستگان (خواهر و برادر، فرزند، والدین همسر) آنها در بیمارستان روانی بستری بود، به طور معناداری با هم تفاوت داشت. که این مطلب نشان دهنده اعتبار افتراقی این پرسشنامه است.

پرسشنامه اضطراب بک (Beck Anxiety Inventory): این پرسشنامه برای سنجش میزان اضطراب طراحی شده و شامل ۲۱ عبارت است که هر یک بازتاب یکی از علائم اضطراب است که معمولا افرادی که از نظر بالینی مضطرب هستند، یا کسانی که در وضعیت اضطراب انگیز قرار می‌گیرند، تجربه می‌کنند. این مقیاس ثبات درونی بالایی بدست آورده و همبستگی ماده‌های آن با هم شامل دامنه‌ای از ۰/۳۰ تا ۰/۷۱ (میانگین برابر ۰/۶۰) است

این آزمون بر روی ۸۳ بیمار با فاصله یک هفته برای باز آزمایی اجرا شد، که همبستگی بالایی (۰/۷۵) بدست آورد. در پژوهشی توسط کاویانی و موسوی (۱۳۸۷) اعتبار و روایی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که از نظر روایی (r = ۰/۷۲)، پایایی (r = ۰/۸۳) و ثبات درونی (r = ۰/۹۲) می باشد.

۶. یافته‌های پژوهش

در این قسمت اطلاعات بدست آمده از پژوهش به منظور آزمون فرضیات با آزمون‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

جدول شماره ۱. ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان

متغیرها	اضطراب فرزندان	حل مسئله	روابط	نقشها	پاسخگویی	درگیری	کنترل رفتار	کارکرد کلی
اضطراب فرزندان	1							
حل مسئله	-0/30**	1						
روابط	-0/24**	0/30**	1					
نقشها	-0/38**	0/26**	0/24**	1				
پاسخگویی	-0/51**	0/43**	0/42**	0/45**	1			
درگیری	-0/47**	0/25**	0/38**	0/48**	0/65**	1		
کنترل رفتار	-0/43**	0/32**	0/25**	0/44**	0/55**	0/57**	1	
کارکرد کلی	-0/53**	0/42**	0/40**	0/61**	0/66**	0/58**	0/56*	1

معناداری در سطح ۰.۰۱ (**).

جدول شماره ۱ نشان دهنده ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان است. به منظور بررسی رابطه بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده

با اضطراب فرزندان نوجوان از آزمون همبستگی پیرسون (Pearson's Correlation Test) استفاده شد. جدول فوق نشان می‌دهد که رابطه میان مؤلفه‌های عملکرد خانواده (حلمسئله، روابط، نقشها، پاسخگویی اثربخش، درگیری اثربخش، کنترل رفتار و کارکرد کلی) با اضطراب فرزندان نوجوان از نظر آماری بصورت معکوس در سطح $(P < 0/01)$ معنادار است و ضریب همبستگی این رابطه برای حل مسئله $(r = -0/30)$ ، برای روابط $(r = -0/24)$ ، برای نقشها $(r = -0/38)$ ، برای پاسخگویی اثربخش $(r = -0/51)$ ، برای درگیری اثربخش $(r = -0/47)$ ، برای کنترل رفتار $(r = -0/43)$ و برای کارکرد کلی $(r = -0/53)$ است. به بیان دیگر خانواده‌هایی که از عملکرد (حل مسئله، روابط، نقشها، پاسخگویی اثربخش، درگیری اثربخش، کنترل رفتار و کارکرد کلی) بالاتری برخوردار هستند دارای فرزندان بدون اضطراب و یا با اضطراب کم هستند. بنابراین در نتیجه یافته‌های جانبی شماره یک تا هفت پژوهش مبنی بر اینکه بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه معکوس وجود دارد، تأیید شد.

به منظور آزمون یافته‌های جانبی شماره ۱ تا هفت پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

- یافته جانبی شماره ۱: بین حل مسئله خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.
- یافته جانبی شماره ۲: بین روابط خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.
- یافته جانبی شماره ۳: بین نقش‌های خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.
- یافته جانبی شماره ۴: بین پاسخگویی اثربخش خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.
- یافته جانبی شماره ۵: بین درگیری اثربخش خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.
- یافته جانبی شماره ۶: بین کنترل رفتار خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.

- یافته جانبی شماره ۷: بین کارکرد کلی خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۲. ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان

متغیرها	اضطراب فرزندان	واکنش هیجانی	جایگاه من	جدایی عاطفی	هم آمیختگی بادیگران
اضطراب فرزندان	1				
واکنش هیجانی	-0/42**	1			
جایگاه من	-0/06	-0/28**	1		
جدایی عاطفی	-0/44**	0/47**	-0/07	1	
هم آمیختگی بادیگران	-0/36**	0/47**	-0/40**	0/16*	1

معناداری در سطح ۰.۰۱ (**)

جدول شماره ۲ نشان دهنده ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان است. به منظور بررسی رابطه بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان از آزمون همبستگی پیرسون (Pearson's Correlation Test) استفاده شد. جدول فوق نشان می‌دهد که رابطه میان مؤلفه‌های تمایز یافتگی مادر (واکنش هیجانی، جدایی عاطفی و هم‌آمیختگی بادیگران) به جز جایگاه من با اضطراب فرزندان نوجوان از نظر آماری بصورت معکوس در سطح $P < 0/01$ معنادار است و همبستگی این رابطه برای واکنش هیجانی ($r = -0/42$)، برای جدایی عاطفی ($r = -0/44$) و برای هم‌آمیختگی بادیگران ($r = -0/36$) است. به بیان دیگر مادرانی که از تمایز یافتگی بیشتری برخوردار هستند دارای فرزندان بدون اضطراب و یا با اضطراب کم هستند. بنابراین در نتیجه یافته‌های جانبی شماره هشت تا یازده به جز یافته جانبی نه مبنی بر اینکه بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه معکوس وجود دارد، تأیید شد.

یافته‌های جانبی شماره ۸ تا چهار ۱۱:

- یافته جانبی شماره ۸: بین واکنش هیجانی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.
 - یافته جانبی شماره ۹: بین جایگاه من مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.
 - یافته جانبی شماره ۱۰: بین جدایی عاطفی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.
 - یافته جانبی شماره ۱۱: بین هم‌آمیختگی بادیگران مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.
- به منظور آزمون یافته‌های جانبی شماره هشت تا یازده پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.
- فرضیه شماره یک: بین تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.

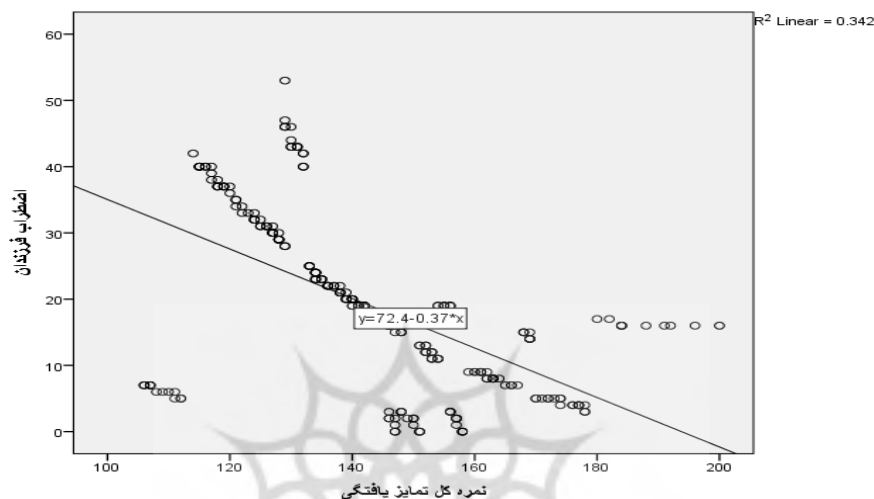
جدول شماره ۳. ماتریس همبستگی بین تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان

متغیرها	اضطراب فرزندان	تمایز یافتگی مادر
اضطراب فرزندان	1	
تمایز یافتگی مادر	-.058**	1

معناداری در سطح ۰.۱ (**). و معناداری در سطح ۰.۰۵ (*).

جدول شماره ۳. نشان دهنده ماتریس همبستگی بین تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان است. به منظور بررسی رابطه بین تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان از آزمون همبستگی پیرسون (Pearson's Correlation Test) استفاده شد. جدول فوق نشان می‌دهد که رابطه میان تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان از نظر آماری بصورت معکوس در سطح $(P < 0/01)$ معنادار است. به بیان دیگری هر اندازه تمایز یافتگی مادر افزایش یابد، اضطراب فرزندان نوجوان نیز کاهش می‌یابد و فرضیه شماره یک پژوهش مبنی بر اینکه بین تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه معنادار وجود دارد، تأیید شد.

نمودار شماره ۱. پراکنش بین تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان



فرضیه شماره دو: بین عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.

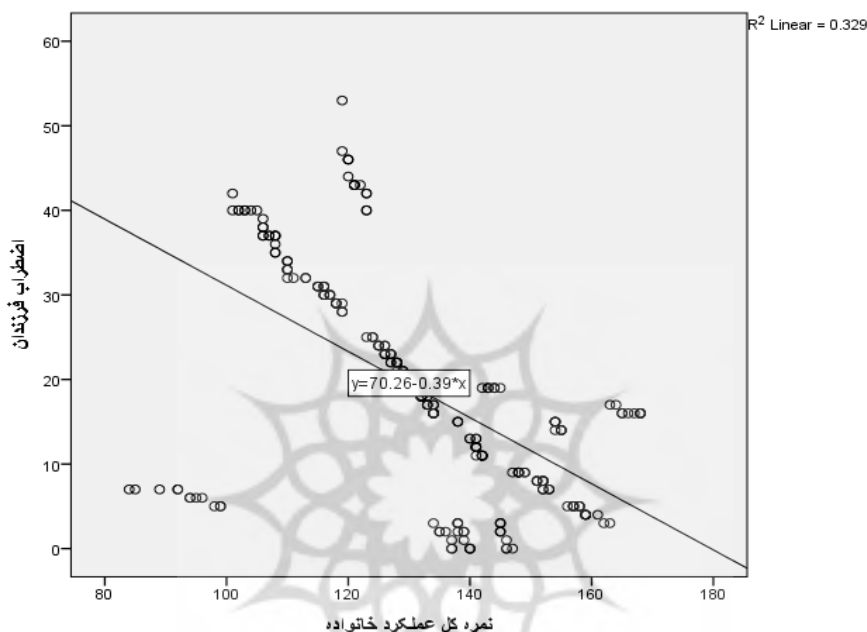
جدول شماره ۴. ماتریس همبستگی بین عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان

متغیرها	اضطراب فرزندان	عملکرد خانواده
اضطراب فرزندان	1	
عملکرد خانواده	-0/57**	1

معناداری در سطح ۰/۰۱ (**). و معناداری در سطح ۰/۰۵ (*).

جدول شماره ۴. نشان دهنده ماتریس همبستگی بین عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان است. به منظور بررسی رابطه بین عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان از آزمون همبستگی پیرسون (Pearson's Correlation Test) استفاده شد. جدول فوق نشان می دهد که رابطه میان عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان از نظر آماری بصورت معکوس در سطح (P<۰/۰۱) معنادار است. به بیان دیگر به هر اندازه عملکرد خانواده افزایش یابد، اضطراب فرزندان نوجوان نیز کاهش می یابد. بنابراین در نتیجه فرضیه شماره دو پژوهش مبنی بر اینکه بین عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه معنادار وجود دارد، تأیید شد.

نمودار شماره ۲ پراکنش بین عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان



فرضیه شماره سه: عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر پیش‌بینی کننده اضطراب فرزندان نوجوان هستند. به منظور آزمون فرضیه شماره سه پژوهش از آزمون رگرسیون استفاده شد.

جدول شماره ۵. ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین (R²)

متغیرها	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین تنظیم شده (R ²)	خطای استاندارد برآورد شده
عملکرد خانواده	0/۵۷	0/۳۳	0/۳۲	۱۰/۲۷۸
تمایز یافتگی مادر	0/۵۹	0/۳۴	0/۳۳	۱۰/۱۷۸

جدول ۵. نشان دهنده ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان است. جدول فوق نشان می‌دهد که عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر به ترتیب ۳۳ درصد و ۳۴ درصد واریانس اضطراب فرزندان را تبیین می‌کنند.

جدول شماره ۶. تحلیل واریانس برای تأیید خطی بودن رابطه‌ها

ANOVA

سطح معناداری P.	ارزش نسبی F	میانگین مجذورات	درجات آزادی Df	مجموع مجذورات	مدل	
0/001(**)	121/570	12841/861	1	12841/861	رگرسیون	عملکرد خانواده
		105/633	248	26197/039	باقیمانده	
		-----	249	39038/900	جمع	
0/001(**)	128/837	13347/032	1	13347/032	رگرسیون	تمایز یافتگی مادر
		103/596	248	25691/868	باقیمانده	
		-----	249	39038/900	جمع	

معناداری در سطح ۰.۰۱ (**)

جدول ۶. نشان دهنده نتایج آزمون تحلیل واریانس برای تأیید خطی بودن رابطه‌ها است. به عبارت دیگر با توجه به اینکه بین مهارت‌های ارتباطی مادر، عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه خطی معنادار ($P < 0.01$) وجود دارد، از مدل رگرسیون می‌توانیم برای تبیین این داده‌ها استفاده نماییم.

جدول شماره ۷. تأثیر مهارت‌های ارتباطی مادر، عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر بر اضطراب فرزندان نوجوان

معناداری P	ارزش T	ضریب Beta	ضریب b	متغیرهای وارد شده
0/001(**)	14/859	-----	70/258	مقدار ثابت
0/001(**)	-11/026	-۰/۵۷	-۰/۳۹۱	عملکرد خانواده
0/001(**)	15/141	-----	72/400	مقدار ثابت
0/001(**)	-11/351	-۰/۵۹	-۰/۳۷۴	تمایز یافتگی مادر

(**) معناداری در سطح ۰/۰۱

جدول ۷. نشان دهنده تأثیر عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر بر اضطراب فرزندان نوجوان است. نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که تأثیر عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر بر اضطراب فرزندان نوجوان از نظر آماری معنادار است ($P < 0/01$). به بیان دیگر، عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر قادر به پیش‌بینی اضطراب فرزندان نوجوان هستند. همچنین در شرایطی که متغیرها به صورت باهم مقایسه شوند بیشترین تأثیر را بر اضطراب فرزندان نوجوان به ترتیب تمایز یافتگی مادر و عملکرد خانواده مادر دارند. از نظر آماری به مقدار یک انحراف معیار افزایش در نمره تمایز یافتگی مادر به مقدار $0/59$ انحراف معیار کاهش در اضطراب فرزندان مشاهده خواهد شد و همچنین به مقدار یک انحراف معیار افزایش در نمره عملکرد خانواده به مقدار $0/57$ واحد انحراف معیار کاهش در اضطراب فرزندان مشاهده خواهد شد.

۷. نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، تعیین نقش عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر در پیش‌بینی اضطراب دختران نوجوان بود.

- فرضیه شماره ۱: بین تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد. رابطه میان تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان از نظر آماری بصورت معکوس در سطح ($P < 0/01$) معنادار دیده شد. به بیان دیگر به هر اندازه تمایز یافتگی مادر افزایش یابد، اضطراب فرزندان نوجوان نیز کاهش می‌یابد. در نتیجه فرضیه شماره یک پژوهش مبنی بر اینکه بین تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه معنادار وجود دارد، تأیید شد.

یافته‌های این پژوهش همسو با یافته‌های پینشو (۲۰۱۲) است که در پژوهشی به بررسی تأثیر آموزش خودمتمایزنگری در کاهش اضطراب (کلی، آشکار و پنهان) پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که متغیرهای فردی، موقعیتی و ارتباطی از قبیل متمایزسازی، با توانایی فرد در کاهش اضطراب رابطه معناداری دارند و آموزش خودمتمایزسازی موجب کاهش اضطراب و سازگاری روانی بهتر می‌شود. همچنین بر طبق یافته گابل‌من (۲۰۱۲) که در پژوهشی به بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و اضطراب پرداختند، نتایج حاکی از آن بود که بین دو سازه رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که افراد تمایز نیافته

اضطراب مزمن بالایی را تجربه می‌کنند. یافته این پژوهش همسو با نتایج پژوهش هوپرو دیپوی (۲۰۱۰) است که در پژوهشی به بررسی رابطه بین تمایزیافتگی و استرس و اضطراب و سلامت پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که بین تمایزیافتگی و استرس و اضطراب و سلامت رابطه معناداری وجود دارد. بر طبق یافته تاسون و فریدلندر (۲۰۰۰) که در پژوهشی به بررسی ارتباط بین تمایزیافتگی، اضطراب و نشانه‌های روانشناختی در یک نمونه فلیپینی پرداختند. نتایج نشان داد تمایزیافتگی به طور معکوس در ارتباط با آشفتگی روانشناختی می‌باشد. یافته‌ها همسو با نظر پروچسکا و نوکراس (۲۰۰۷) می‌باشد که معتقد بودند بیماری هیجانی زمانی ایجاد می‌شود که افراد نتوانند خود را به نحو شایسته‌ای از خانواده‌ی اصلی خویش متمایز کنند. بر طبق نظر طبرسی (۱۳۸۷) یکی از عوامل موثر در بروز اختلالات رفتاری دختران تمایزیافتگی مادران است. مادر با ارزش‌ترین منشاء آسایش و مهر و عالیترین منبع سعادت خانوادگی است. حقیقت پنهان آن است که وجود مادر به منزله ستون فقرات شخصیت کودک است. همچنین این یافته‌ها نظر توربورگ و لیورز (۲۰۰۶) را تایید می‌کند مبنی بر اینکه سطح تمایزیافتگی هر فرد به بهترین صورت، در موقعیت‌های استرس‌زای خانواده قابل مشاهده است و درجه‌ای که فرد قادر است علیرغم اضطراب شدید در خانواده، رفتارش را منطبق بر اصول صریح و اندیشمندانه کنترل کند، میزان تمایزیافتگی او را نشان می‌دهد. یافته‌های این پژوهش همسو با نظر پلک و زویی (۲۰۱۴) می‌باشد مبنی بر این که افراد تمایز نیافته که هویت تعریف نشده‌ای از خود ندارند و در نقش‌ها و مسائل بین‌شخصی موجود همراه با موج عاطفی خانواده حرکت کنند اضطراب مزمن بالایی را تجربه می‌کنند و مستعد مشکلات روانشناختی و بروز نشانه‌های بیماری هستند. فیشر (۲۰۰۶) مطرح می‌کند که افراد تمایز یافته برای سهیم شدن در اضطراب به آسانی تحت تاثیر دیگران قرار نمی‌گیرند و نشانه آسیب را نشان نمی‌دهند. پلگ، مایسرا و زویی (۲۰۱۴) بیان کردند که در نتیجه کاهش خودمختاری اضطراب مزمن در فرد افزایش می‌یابد.

در راستای تفسیر یافته‌ها می‌توان گفت: که رشد بهینه زمانی اتفاق می‌افتد که اعضای خانواده از هم متمایز هستند، بنابراین در این شرایط اضطراب در میان فرزندان پایین است. نتایج تحقیقات نشان داد که پیامد تمایز یافتگی مادران، کاهش اضطراب و بسیاری از مشکلات روانشناختی در کودکان و نوجوانان می‌باشد چون افراد تمایز یافته بین فرایندهای احساسی و عقلانی تفکیک قائل می‌شوند و تحت تاثیر افکار و رفتار دیگران قرار نمی‌گیرند.

- فرضیه شماره ۲: بین عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد.

رابطه میان عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان از نظر آماری بصورت معکوس در سطح ($P < 0/01$) معنادار گزارش شد. به بیان دیگر به هر اندازه عملکرد خانواده افزایش یابد، اضطراب فرزندان نوجوان نیز کاهش می‌یابد. در نتیجه فرضیه شماره دو پژوهش‌مبنی بر اینکه بین عملکرد خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه معنادار وجود دارد، تأیید شد. یافته این پژوهش همسو با نظر ساروخانی (۱۳۷۰) می‌باشد مبنی بر این که خانواده بعنوان کوچکترین واحد اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است. هر گونه نارسایی در عملکرد خانواده تأثیرات نامطلوبی در بهنجار نمودن فرزندان ایجاد می‌کند همچنین یافته این پژوهش را نظر طبرسی (۱۳۸۷) تأیید می‌کند که خانواده نخستین کانون تربیت کودک و معمار اولیه شخصیت اوست و در این مدرسه تربیتی نوجوانان به تدریج از رفتارهای پدر و مادر الگو برداری می‌کنند. بر طبق نظر واترز (۲۰۰۸) والدین مضطرب احتمالاً خود اضطراب را تجربه می‌کنند که این امر منجر به این می‌شود سبک تربیتی والدین با کودکانشان به صورت محافظت بیش از حد یا مداخله زیاد در کارهای کودک باشد. بنابر نظر ساروخانی (۱۳۸۴) بیشترین افراد ناسازگار و مسئله‌دار، وابسته به خانواده‌های آسیب‌دیده هستند و فرزندان که مربوط به خانواده‌های پر کشمکش می‌باشند به سبب عدم برخورداری از آرامش روانی و عدم تمرکز و آشفتگی بیشتر در معرض رفتارهای ناسازگارانه قرار دارند. همچنین بر طبق نظر ساقی و رجایی (۱۳۸۷) است که عملکرد خانواده با سلامت روانی اعضاء ارتباط دارد. آسیب‌روانی اصولاً یک مشکل درون‌فردی در یک عضو خانواده نیست، بلکه یک فرایند تعاملی بین اعضای خانواده است. همچنین همسو با یافته زرگر، عاشوری، اصغری پور، عاقبتی، (۱۳۸۶) می‌باشد که بین عملکرد ضعیف خانواده و ابتلای فرزندان به علایم جسمی، اضطراب، اختلال خواب، افسردگی و اختلال در کارکرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. یافته این تحقیق همسو با یافته کارو هادسون (۲۰۰۸) می‌باشد که خطر بروز اضطراب در فرزندان والدین مضطرب ۵/۳ بار بیشتر از خطر آن در گروه کنترل و سالم است. بر طبق نظریه میکوچی به نقل از یاسایی، (۱۳۸۳) فرزندی که پا در سنین نوجوانی می‌نهد و خود طالب حمایت و آزادی توأم است، طبیعی است که کوتاهی خانواده در این مورد او را به ورطه‌ی هیجان‌های ناخوشایندی همچون اضطراب و حتی درگیر شدن با والدین و بزرگسالان سوق

می دهد. یافته‌ها نظر زیمر گمبرگ و داکات، (۲۰۱۱) را تایید می کند: درجه‌ای که مادران کودکان را حمایت می کردند در حالی که فرزندانشان احتیاجی به کمک نداشتند، ترس و اضطراب را در کودکان در یک سال بعد، پیش‌بینی می کرد. مادران نوجوانان مضطرب هنگامی که کودکانشان یک تکلیف پر از استرس را انجام می دهند، نسبت به مادران نوجوانان غیرمضطرب، دخالت‌کننده‌تر و بیش از اندازه درگیر هستند. در خانواده‌هایی که کودک مضطرب دارند باورهای خانواده در مورد والدگری و اضطراب می تواند به طور جدی روی توانایی نوجوان برای مقابله با چالش‌های زندگی تاثیر بگذارد. گرانو و همکاران، (۲۰۱۶) نیز معتقدند که عملکرد خانواده، یکی از شاخص‌های مهم تضمین‌کننده کیفیت زندگی و سلامت روانی خانواده و اعضای آن است. عملکرد خانواده جنبه مهم محیط خانواده است که سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی کودکان را تحت تاثیر قرار می دهد. همچنین علیخانی و مومنی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی رابطه عملکرد خانواده، تمایز یافتگی خود و تاب آوری با استرس، اضطراب و افسردگی در زنان متأهل شهر کرمانشاه پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که بین عملکرد خانواده، خرده‌مقیاس‌های ارتباط، آمیزش عاطفی، ایفای نقش، حل مشکل و تاب آوری با استرس رابطه منفی معنادار و بین خرده‌مقیاس‌های تمایز یافتگی واکنش هیجانی و آمیختگی با دیگران رابطه مثبت و با خرده‌مقیاس جایگاه من رابطه منفی و معناداری دارد. همچنین خرده‌مقیاس‌های عملکرد خانواده و تاب آوری با اضطراب رابطه منفی و بین خرده‌مقیاس تمایز یافتگی، واکنش هیجانی و آمیختگی با دیگران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته این پژوهش همسو با پژوهش ساقی و همکاران (۱۳۸۸) است که به بررسی رابطه ادراک نوجوانان از عملکرد خانواده با سازگاری آنها پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که ادراک نوجوانان از عملکردهای خانواده ارتباط معناداری با سازگاری آنها دارد و عملکرد خانواده می تواند سازگاری نوجوانان را پیش‌بینی کند.

در راستای تفسیر می توان گفت: خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که تأمین‌کننده نیازهای روانی و جسمانی فرد است. خانواده به لحاظ پیوند زیستی و طبیعی اولین محیط و نهاد اجتماعی است که نوزاد پای به درون آن می گذارد. وضعیت کودک، موقعیت و ترکیب خانواده به گونه‌ای است که اساسی‌ترین نقش را در زندگی کودک دارد در واقع آنچه در درون خانواده اتفاق می افتد و چگونگی عملکرد آن می تواند یک عامل کلیدی در ایجاد انعطاف‌پذیری و کاهش خطرات فعلی و آینده مرتبط با رویدادهای ناگوار و شرایط نامناسب

باشد. بر طبق نظر روانشناسان خانواده کارکردهای مختلف خود را به طریق متفاوت ایفا می‌کند. یکی از این کارکردها، کارکردهای هیجانی و عاطفی است. هرگاه یکی از اعضای نتواند از ابزار مناسب برای ابراز هیجانات و احساسات خود استفاده کند اختلال و آسیب ایجاد می‌شود.

- فرضیه شماره ۳: عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر پیش‌بینی‌کننده اضطراب فرزندان نوجوان هستند.

عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر به ترتیب ۳۳ درصد و ۳۴ درصد واریانس اضطراب فرزندان را تبیین می‌کنند که نشان داد همسو با رحیمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۳) است که به بررسی رابطه عملکرد خانواده و نیازهای روانشناختی با سلامت روانی نوجوانان پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که بین عملکرد کلی خانواده‌ها و سلامت روان فرزندان نوجوان آنها رابطه معناداری وجود دارد. همچنین به عقیده رویکرد خانواده‌درمانی ساختاری به نقل از حسینی (۱۳۹۰)، نشانه‌های مرضی فرد زمانی که در بافت الگوی تعاملی خانواده ارزیابی شود بهتر قابل درک است و برای رفع آنها مرضی باید در ساختار یا سازمان خانواده تغییر صورت گیرد. همچنین یافته‌ها همسو با نظریه نیکولز و شوارتز (۲۰۰۶) به نقل از دهقانی (۱۳۹۳) می‌باشد که معتقد بود آسیب‌پذیرترین فرد از لحاظ تنهایی و فقدان تمایز بیشترین احتمال را برای جذب اضطراب در آن نظام و علایم داراست. کارلسون و همکاران (۱۳۷۸) بیان داشتند که والدین تمایز نیافته، به طور معمول در موقعیت‌های استرس‌زا، فشار روانی خود را به فرزندی که تمایز یافتگی کمتری دارد منتقل می‌کنند. یافته‌ها نظر والانچر (۲۰۰۹) را تایید می‌کنند که تقریباً مشابه با قدرت ایگو، تمایز خویشتن، ظرفیت تفکر و انعکاس است که فرد بطور خودکار به فشارهای هیجانی درونی یا بیرونی پاسخ ندهد. توانایی انعطاف‌پذیر بودن و عاقلانه عمل کردن، حتی در مواجهه با اضطراب کاربرد دارد. پس در نهایت می‌توان گفت که عملکرد خانواده، تمایز یافتگی نقش بسیار مهم و کلیدی در کاهش مشکلات روانشناختی و آسیب‌های روانی دیگر اعضای خانواده مخصوصاً فرزندان دارد.

- یافته‌های جانبی شماره ۱ تا ۷ نیز نشان دادند: خانواده‌هایی که از عملکرد حل مسئله، روابط، نقش‌ها، پاسخگویی اثربخش، درگیری اثربخش، کنترل رفتار و کارکرد کلی بالاتری برخوردار هستند دارای فرزندان بدون اضطراب و یا با اضطراب کم هستند.

- یافته جانبی شماره ۱ نشان داد: بین حل مسئله خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد. یافته این پژوهش همسو با نظر لاگسدون (۲۰۰۴)، بیلمن (۲۰۰۴)، هاگز هرناوندز و نسمن (۲۰۰۳) و اسکات (۲۰۰۵) می باشد که در پژوهش‌هایی نشان دادند که آموزش حل مساله به طور مستقیم از طریق والدین و معلمان در کاهش رفتارهای نامناسب کودکان و بهبود رفتارهای اجتماعی آنها تاثیر دارد. همچنین همسو با نتایج پژوهش کازدین، زیگل و باس (۱۹۹۲) است. در پژوهشی نشان دادند که آموزش حل مساله به والدین موجب شده که رفتارهای ضد اجتماعی و افسردگی و اضطراب کودکان کاهش یافته و از سلامت روانی برخوردار شوند. همچنین بر طبق یافته روفلو، کوهن و ایوانز (۲۰۰۵) هنگامی که والدین کودکان دارای مشکلات عاطفی و روانشناختی در زمینه مهارت‌های حل مساله آموزش می‌بینند وضعیت رفتاری و روانی کودکان تغییرات مثبتی پیدا کرده است.
- یافته جانبی شماره ۲: بین روابط خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد را نشان داد. یافته این پژوهش همسو با نظر کارولین، دونوان و هلمز (۲۰۱۶) است مبنی بر این که ویژگی‌های نابهنجار مادر می‌تواند نقش موثری در شکل‌گیری اثرات روانی فرزندان بخصوص در تحول شخصیت کودک و نوجوان داشته باشد. همچنین بر طبق نظر ولندرواتن و همکاران (۲۰۱۶) اختلال در روابط اولیه مادر- فرزند به دلایلی مانند ویژگی‌های خاص شخصیتی مادر، اختلال روانی مادر، عدم آشنایی مادر در تربیت فرزند، عدم برقراری رابطه مناسب و اصولی با کودک و نوجوان می‌تواند اساس و زیربنای اختلالات هیجانی بعدی در زندگی آتی فرزندان باشد. هر شکافی در مبادله مادر- فرزند می‌تواند تاثیر منفی قاطعی بر تحول شخصیت فرزند داشته باشد و در آینده به اختلالات کم و بیش وخیم مرضی منجر شود. بر طبق نظر لوسزنز (۲۰۱۶) در واقع آنچه در درون خانواده اتفاق می‌افتد و چگونگی عملکرد آن می‌تواند یک عامل کلیدی در ایجاد انعطاف‌پذیری و کاهش خطرات فعلی و آینده مرتبط با رویدادهای ناگوار و شرایط نامناسب باشد. یافته این پژوهش با نظر تاسیک، بوجنواکو و مجوویک (۱۹۹۷) همسو می‌باشد مبنی بر این که الگوهای ارتباطی که کودکان و نوجوانان در خانواده یاد می‌گیرند بدون تردید در ارتباطات آینده آنها در گستره زندگی تاثیر بسیاری دارد. روابط درون خانواده علاوه

بر اهمیتی که در رشد کودکان دارد، در جلوگیری از مشکلات رفتاری آنان نیز نقش بسزایی دارد.

- یافته جانبی شماره ۳: یعنی بین نقش‌های خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد که همسو با نظر گلدنبرگ و گلدنبرگ (۲۰۰۸) به نقل از برواتی و همکاران (۱۳۹۲) می‌باشد که معتقد است خانواده کارکردهای مختلف خود را به طریق متفاوت ایفا می‌کند. یکی از این کارکردها، کارکردهای عاطفی و عاطفی است. هرگاه یکی از اعضاء نتواند از ابزار مناسب برای ابراز هیجانات و احساسات خود استفاده کند اختلال و آسیب ایجاد می‌شود. کارکردهای اصلی واحد خانواده ایجاد موقعیتی برای رشد اجتماعی، روانی، و زیستی و بقای اعضای خانواده است. بر طبق نظرایریان و همکاران (۲۰۰۵) به نقل از دهقانی و همکاران (۱۳۹۰) در طی فرایند برآوردن این کارکرد، خانواده‌ها با مسائل و مشکلاتی یا تکالیفی مواجه می‌شوند. چنانچه خانواده‌ها توان مواجه شدن موثر با این حوزه‌های وظیفه را نداشته باشند، به احتمال بیشتری مشکلات مهم بالینی یا رفتارهای ناسازگار فرزندان را پدید می‌آورند.

- یافته جانبی شماره ۴: بین پاسخ‌گویی اثربخش خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد که نظر حسینی (۱۳۹۰) را تأیید می‌کند مبنی بر این که خانواده‌هایی که نیازهای عاطفی اعضای خود، بخصوص فرزندان را ارضاء نکنند باعث می‌شوند که رشد روانی این فرزندان با اشکال مواجه شود و آنان از نظر روانی سالم نباشند. بیشتر افرادی که رفتارهای نابهنجار یا ضداجتماعی دارند در اینگونه خانواده‌ها تربیت شده‌اند. همچنین بر طبق نظر تاسیک، بوجنواکو و مجوویک، (۱۹۹۷) فضای خانواده می‌تواند مهرورزانه، پذیرنده و مسئولانه و درک‌کننده یا طردکننده باشد. فضای خانواده بهترین پیش‌بینی کننده رفتارهای غیرانطباقی و بزهکارانه در سنین نوجوانی است.

- یافته جانبی شماره ۵: بین درگیری اثربخش خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد. بر طبق نظر هی‌لی (۲۰۱۰) به نقل از ثنایی (۱۳۸۸) که خانواده کژکار را خانواده‌ای می‌داند که قادر به تامین نیازهای تکاملی اعضا و مقابله با فشارهایی مثل تغییرات ناشی از مراحل تکاملی خانواده که مستلزم قبول یا از دست دادن عضو باشد نیست همسو است. مرزهای بین اعضا نامشخص است و دراین خانواده‌ها لذا حمایت و همکاری رخ نمی‌دهد. غالباً عامل تعادل خانواده شخصی است که نشانه

مرضی را بروز می دهد. یافته این پژوهش همسو با نظر کارلسون و همکاران به نقل از نوابی نژاد (۱۳۷۸) می باشد که معتقدند خانواده فضا و رفتارهای عاطفی را ایجاد می کند و اعضای آن در خارج از موقعیت خانوادگی آنها را عینا الگوبرداری می کنند. یافته ها همسو با نظر نیکولز، شوارتز (۲۰۰۶) به نقل از دهقانی و دیگران (۱۳۹۳) بوده که رویکرد خانواده درمانی را اذعان می کند که اعضای خانواده به طور همزمان بر یکدیگر تاثیر گذاشته و از هم تاثیر می گیرند. در نتیجه رفتار یک عضو خانواده باعث می گردد که این به نوبه خود باعث ایجاد رفتار، هیجان و شناخت های واکنشی فرد شود. همچنان که فرآیند ادامه پیدا می کند، التهاب در پویایی های خانواده بالا می گیرد و خانواده را نسبت به گرداب های منفی تعارض، آسیب پذیر می کند.

- یافته جانبی شماره ۶: بین کنترل رفتار خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد که با نظر حسینی (۱۳۹۰) همسو می باشد مبنی بر این که خانواده هایی که ساختار مناسب و باز دارند کمتر دچار استرس و خشونت و کارکرد مختل می شوند و در آن شرایط، به سرعت نیز بهبود می یابند. بر طبق نظر پارکر و پارکر (۲۰۰۱) عدم توجه والدین به سالم سازی محیط روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان و روابط نامناسب در بیشتر موارد آنان را با کمبودهای عاطفی و مشکلات روانی گوناگون روبه رو می سازد و احتمال اینکه این کودکان در آینده به اختلالات روانی دچار شوند زیاد خواهد بود. بر طبق نظر میکوچی، به نقل از یاسایی (۱۳۸۳) خانواده به واسطه نقش بزرگی که در اعطای احساس کنترل به اعضای خویش بر عهده دارد، بزرگترین باعث و بانی اضطراب (وبالطبع استرس و افسردگی) است.

- یافته جانبی شماره ۷: بین کارکرد کلی خانواده با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه معکوس وجود دارد. همسو با نظر گرانو و همکاران (۲۰۱۶) می باشد که عملکرد خانواده، یکی از شاخص های مهم تضمین کننده کیفیت زندگی و سلامت روانی خانواده و اعضای آن است. عملکرد خانواده جنبه مهم محیط خانواده است که سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی کودکان را تحت تاثیر قرار می دهد. بر طبق نظر حسینی (۱۳۹۰) در نظریه خانواده درمانی سیستمی میلان، رفتار غیر عمدی یک عضو خانواده حاکی از اختلال در درون کل خانواده است.

- در راستای تفسیر یافته‌های مزبور می‌توان گفت: طبق نظر اندیشمندان خانواده وضعیت کودک، موقعیت و ترکیب خانواده به گونه‌ای است که وابستگی شدید عاطفی بین کودک و والدین، نیاز مطلق کودک در تمامی ابعاد زیستی و روانی به والدین خانواده در زمینه‌های تأمین نیازهای رشدی کودک از جایگاه منحصر به فردی برخوردار شده است. خانواده نظام اجتماعی منحصر به فردی است که عضویت در آن بر اساس مجموعه عوامل زیستی، قانونی، عاطفی و جغرافیایی تاریخی شکل می‌گیرد.

- یافته‌های جانبی شماره ۸ تا ۱۱: مادرانی که از تمایز یافتگی بیشتری برخوردار هستند دارای فرزندان بدون اضطراب و یا با اضطراب کم هستند. در نتیجه یافته‌های جانبی شماره هشت تا یازده به جز یافته جانبی نه پژوهش‌مبنی بر اینکه بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه معکوس وجود دارد، تأیید شد.

- یافته جانبی شماره ۸: بین واکنش هیجانی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد. یافته این پژوهش همسو با نظر بوئن، (۱۹۷۸) می‌باشد مبنی بر این که کسانی که تمایز یافتگی بالایی دارند رفتار مستقلانه داشته، کمتر در روابطشان واکنش‌های هیجانی نشان می‌دهند، این افراد اضطراب و سایر هیجانهای خود را کنترل کرده و در روابطشان کمتر دچار مشکل گردند. بر طبق نظر هراس (۲۰۰۶) وپلگ وزوبی (۲۰۱۴) تمایز یافتگی، نقشی مهم و اساسی در کاهش اضطراب‌مزمین فرد و برخورداری از یک زندگی سالم را دارد و همچنین شخصیت فرد از لحاظ میزان تمایز یافتگی‌اش، در ارتباط با اعضای خانواده شکل می‌گیرد. در ارایه استدلال‌های تکمیلی می‌توان گفت نیکولز و شوارتز (۲۰۰۶) به نقل از دهقانی (۱۳۹۳) تمایز را به عنوان فرایند آزادسازی نسبی خود از هرج و مرج‌های هیجانی خانواده می‌دانند. کاظمیان و اسماعیلی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی اثربخشی آموزش خودتمایزسازی بر کاهش اضطراب فرزندان خانواده‌های طلاق پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که آموزش خودتمایزسازی بر کاهش اضطراب خانواده‌های طلاق با ضریب اطمینان ۹۵٪ موثر بوده است. یافته این پژوهش همسو با نظر پلگ و پاکو (۲۰۰۴) در این زمینه که الگوهای خانواده اصلی به خصوص الگوهای تمایز یافتگی، تأثیر مهمی بر اضطراب فرزندان، عملکرد اجتماعی و نشانه‌های روانی جسمی دارد، است.

- یافته جانبی شماره ۹: بین جایگاه من مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد. یافته این پژوهش مغایر با نظر زیمر (۲۰۱۱) می باشد مبنی بر این که افراد تمایز یافته از هویت شخصی قوی یا جایگاه من نیرومندی برخوردارند و به خاطر کسب رضایت دیگران رفتار و عقاید خود را تغییر نمی دهند. بر طبق یافته پژوهش زیمر (۲۰۱۱) در مقابل افراد تمایز یافته که تعریف مشخصی از خود عقایدشان دارند، می توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب نمایند و در موقعیت های عاطفی شدید که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیم های نافرجام می شود، کنترل خود را از دست نمی دهند و با در نظر گرفتن عقل و منطق تصمیم گیری می کنند. افراد (مادران) تمایل دارند تا سازگاری روانشناختی بیشتری داشته باشند و علی رغم میل باطنی به خاطر سازگاری با محیط از عقاید شخصی خود عقب نشینی می کنند و توانایی حفظ موضع من را در روابط ندارند. این مغایر با نتیجه پژوهش نات و اسکورون (۲۰۰۴) و وابای، هالبی و اینایا، (۲۰۰۶) می باشد که نشان داند به خاطر اینکه فرهنگ مادران یک فرهنگ جمعی است و جایگاهشان در قالب جایگاه ما می باشد نه من، آنان به خاطر کسب رضایت دیگران رفتار و عقاید خود را تغییر می دهند و از هویت شخصی قوی یا جایگاه من نیرومندی برخوردار نیستند بنابراین در حفظ جایگاه من ناتوان هستند در نتیجه بین جایگاه من مادران با اضطراب دختران نوجوان رابطه معناداری یافت نشد. یافته شماره نه مستند نگردید.
- یافته جانبی شماره ۱۰: بین جدایی عاطفی مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد. یافته ها همسو با نظر نیکولز و شوارتز (۲۰۰۶) به نقل از دهقانی (۱۳۹۳) می باشد مبنی بر این که در هر نسل، فرزندی که بیشتر درگیر هم جوشی خانواده است به سطح پایین تر تمایز خویشتن و اضطراب مزمن حرکت می کند، در حالیکه فرزندی که کمتر درگیر است، به سطح بالاتر تمایز و اضطراب کمتر حرکت می کند. بر طبق نظر هراس (۲۰۰۶) در تئوری سیستمی بوئن تمامی نشانه ها مانند: بیماری های روانی، بیماری های جسمی، سوء مصرف مواد و مشکلات اجتماعی باشکست در انطباق، با سیستم خود تمایز سازی اندک و مبالغه در فرآیند عاطفی ارتباط مثبتی دارد. این یافته همچنین همسو با یافته های پژوهش اسکورون و دندی، (۲۰۰۴) می باشد حاکی از این که اگر تمایز یافتگی افراد به صورت یک طیف در نظر گرفته شود، در یک انتهای طیف، افراد تمایز یافته و در انتهای دیگر طیف افراد نامتمایز (شدیدا بهم

تینده) قرار می‌گیرند و سایر افراد در نقاط مختلف وسط طیف، افراد نامتمیزی که در انتهای پایینی طیف قرار دارند، سطوح بالایی از اضطراب مزمن را تجربه می‌کنند و مستعدترین افراد برای مشکلات حاد روانی می‌باشند. هامیلتون و رولینگ به نقل از حسینی (۱۳۹۰) معتقدند افرادی که از نظر تمایز یافتگی در سطح پایین‌تری قرار دارند در برابر استرس آسیب‌پذیرترند و بیشتر مستعد بیماری جسمانی و اجتماعی هستند. برعکس، افرادی که به لحاظ تمایز یافتگی در مقیاس بالاتری قرار دارند پس از گذشتن از استرس می‌توانند به سرعت به تعادل عاطفی برسند. توربرگ و لیوز (۲۰۰۶) افراد متمایز یافته برای سهیم شدن در اضطراب به آسانی تحت تأثیر دیگران قرار نمی‌گیرند و نشانه آسیب را نشان نمی‌دهند.

- یافته جانبی شماره ۱۱: بین هم‌آمیختگی بادیگران مادر با اضطراب فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد. این یافته همسو با نظر پروچسکا و نوکراس (۲۰۰۷) به نقل از سیدمحمدی (۱۳۹۱) است. به عبارت دیگر، هر چه افراد، احساس استرس و یا اندوه بیش‌تری کنند، بیش‌تر به جستجوی امنیت یکتایی بر می‌آیند که از هم‌جوشی با خانواده حاصل می‌شود. همسویی با یافته سادات حسینی (۲۰۱۴) نیز وجود دارد مبنی بر این که افرادی که بیش‌ترین هم‌جوشی (امتزاج) را بین افکار و احساساتشان دارند، ضعیف‌ترین کارکرد را دارند. آنها احتمالاً تحت سلطه واکنش‌های عاطفی خودکار یا غیرارادی هستند و معمولاً حتی در برابر سطوح پایین اضطراب هم دچار بدکارکردی می‌شوند. همچنین بر طبق نظر گلدنبرگ (۲۰۰۸) به نقل از برواتی (۱۳۹۳) هرچه امتزاج خانواده بیش‌تر باشد، احتمال اضطراب و بی‌ثباتی بیش‌تر خواهد بود و تمایل خانواده برای یافتن راه‌حل از طریق جنگ و نزاع، فاصله‌گیری و اختلال در عملکرد بیش‌تر خواهد شد. یافته‌ها همسو با نظر و ابای، هالی و اینای (۲۰۰۶) است که نشان می‌دهد افراد با تمایز یافتگی بالا مرزهای خانوادگی روشن و قابلیت عملکرد خودمختارانه و سازگاری شخصی بیش‌تری دارند، سطوح پایینی از اضطراب را تجربه می‌کنند، عواطف قوی دارند، ولی توسط آنها کنترل نمی‌شوند. بر طبق نظر اسکورن و دندی (۲۰۰۴) به نقل از محسنیان، کرملو و گنجوی (۱۳۸۶) افراد کمتر تمایز یافته یا به هم‌جوشی به دیگران متمایل می‌شوند و به این ترتیب با جدایی از افراد مهم زندگی از پا در می‌آیند و یا به جدایی عاطفی تن می‌دهند، بنابراین هنگام مواجه شدن با صمیمت عاطفی واکنش اضطرابی نشان می‌دهند. طبق نظر

بوئن (۱۹۷۵) به نقل از سلطانی (۱۳۸۷) مشکل اصلی در خانواده‌ها آمیختگی عاطفی است و راه حل اساسی آن نیز خودتمایزسازی است. افراد کمتر تمایز یافته بیش از اندازه درگیر و با دیگران آمیخته هستند. این افراد هویت تعریف شده‌ای از خود ندارند، در تنش‌ها و مسایل شخصی موجود، همراه با موج عاطفی خانواده حرکت می‌کنند و در نتیجه اضطراب مزمن بالایی را تجربه می‌کنند، مستعد بروز انواع بیماری‌ها هستند، تحت شرایط استرس‌آمیز، ناکارآمدی بیشتری را از خود نشان می‌دهند و از نشانه‌های جسمی و روانشناختی بیشتری مانند اضطراب، جسمانی کردن، افسردگی، الکلیسم و سایکوتیک رنج می‌برند. در مقابل افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود عقایدشان دارند، می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب نمایند و در موقعیت‌های عاطفی شدید که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیم‌های نافرجام می‌شود، کنترل خود را از دست نمی‌دهند و با در نظر گرفتن عقل و منطق تصمیم‌گیری می‌کنند نیز تمایل دارند تا سازگاری روانشناختی بیشتری داشته باشند.

در راستای تفسیر یافته‌ها می‌توان گفت: برطبق نظر دانشمندان شخص تمایز یافته قادر است میان فکرکردن و احساس کردن توازن برقرار کند، مستعد هیجان و خودانگیختگی قوی اما همچنین دارای خویشتن‌داری است، که از توانایی مقاومت در مقابل کشش تکانه‌های هیجانی ناشی می‌شود. در مقابل، افراد تمایز نیافته معمولاً بطور شتاب‌زده با فرمانبرداری یا نافرمانی نسبت به سایر افراد واکنش نشان می‌دهند. آنها حفظ خودمختاری خود را مشکل می‌یابند، به ویژه حول موضوعات اضطرابی. یافته‌های این پژوهش نشان داد که شیوه‌های مناسب مهارت‌های ارتباطی، عملکرد مناسب خانواده و همچنین تمایز یافتگی مادر که در شرایط مختلف بتوانند منطقی و درست عمل کنند در کاهش اضطراب فرزندان موثر است. بر این مبنا پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی برای آموزش شیوه‌های مؤثر و کارآمد مهارت‌های ارتباطی، عملکرد درست خانواده و تمایز یافتگی، برای مادران و خانواده‌ها در مدارس، سرای محله و فرهنگ‌سراها برگزار شود.

کتاب‌نامه

استریت، ا. (۲۰۰۵) مشاوره خانواده، ترجمه، تبریزی، مصطفی و علوی‌نیا، علی (۱۳۸۲) تهران: انتشارات فراروان.

۱۲۸ نقش عملکرد خانواده و تمایز یافتگی مادر در پیش‌بینی اضطراب دختران ...

اسکیان، پرستو، ثنایی باقر، نوایی نژاد شکوه، (۱۳۸۴). بررسی تاثیر سایکودرام (روان‌نمایشگری) بر افزایش تمایز یافتگی فرد از خانواده اصلی در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۵ تهران. *مجله تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۲۵، ۴۲-۲۷.

افروز، غلامعلی (۱۳۸۶) مبانی روانشناختی کمرویی و روشهای درمان با ضمیمه آزمون کمرویی. ناشر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

انجمن روانپزشکی آمریکا، (۲۰۱۳). *راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-V)*. ترجمه سید محمدی، یحیی. (۱۳۹۳). تهران. نشر روان.

پروچسکا، جیمز، نورکراس، جان (۲۰۰۷). *نظریه‌های روان‌درمانی*، ترجمه سیدمحمدی، یحیی، (۱۳۹۱)، تهران: انتشارات روان.

ترورجی، پاول و سیمون جی، انزایت (۱۹۵۵) *فشارروانی، اضطراب و راههای مقابله با آن*، ترجمه بخشی پور رودسری، عباس، صبوری مقدم، حسن (۱۳۸۷). انتشارات به نشر.

حسینی، مهدی (۱۳۹۰). *نظریه‌ها و فنون خانواده‌درمانی*. تهران: انتشارات رشد.

ثنایی، باقر (۱۳۸۰). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. چاپ اول. تهران: موسسه انتشارات بعثت.

رحیمی نژاد، عباس، پاک‌نژاد محسن (۱۳۹۳) رابطه عملکرد خانواده و نیازهای روانشناختی با سلامت روانی نوجوانان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال دهم، شماره ۳۷، صفحه ۹۹-۱۱۱.

سادات‌حسینی، الف س. دهقان نیری، ن. مهران الف. پوراسماعیل ز، عظیم نژاد م. (۱۳۹۰). اثر ماساژ بدن قبل از اقدامات اورژانسی بر سطح اضطراب کودکان. *مجله حیات*، ۱۶ (۳-۴): ۳۱-۸.

ساروخانی، ب (۱۳۸۴) *جامعه‌شناسی ارتباطات*، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات اطلاعات.

ساقی، محمدحسین، رجایی، علیرضا (۱۳۸۷) رابطه‌ی ادراک نوجوانان از عملکرد خانواده با سازگاری آنها. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۱۰، صفحه ۷۱-۸۲.

عابدسعیدی، ژ (۱۳۹۱) *درک مفاهیم بیوفیزیکی، روانی و اجتماعی در جراحی داخلی*. تهران، نشر سالمی.

عطارها، نعیمه (۱۳۸۶) *ساخت و هنجاریابی آزمون مهارت‌های ارتباطی و تعیین ویژگی‌های روانسنجی آن*، انتشارات روانسنجی.

کاپلان و سادوک، (۲۰۰۷). *خلاصه روانپزشکی*، ترجمه فرزین رضاعی (۱۳۹۲). تهران: انتشارات ارجمند.

کارلسون، ج. اسپری، ال. ولویس، جی (۱۳۷۸) *خانواده درمانی تضمین درمان کار آمد*. ترجمه ی شکوه نوایی نژاد.

کدیور، پ. اسلامی، ع. و فراهانی، م (۱۳۸۳) بررسی رابطه ساختار تعاملات خانواده (عملکرد خانواده) با سبک‌های مقابله با فشارهای روانی و تفاوت‌های جنسی در دانش‌آموزان در دانش‌آموزان

پیش‌دانشگاهی. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*. سال سی و چهارم، ص ۹۷-۱۲۳.

گلدنبرگ، ایرنه، هربرت، گلدنبرگ، (۲۰۰۸). *خانواده درمانی*، ترجمه شاهی برواتی، حمیدرضا، نقشبندی، سیامک، ارجمند، الهام (۱۳۹۲). چاپ سیزدهم، تهران، نشر روان.

محسنیان، م، کرملو، س، و گنجوی، ا (۱۳۸۶) رابطه تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی در متقاضیان طلاق. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۳(۱۲)، ۸۲۷-۸۳۷.

محمدی زاده، علی، ملک خسروی، غفار (۱۳۸۵) بررسی مقدماتی ویژگی های روانسنجی و اعتباریابی مقیاس سنجش کارکرد خانواده (FAD)، *فصلنامه خانواده پژوهی*، سال دوم، شماره ۵، بهار ۸۵.

میکوچی، جوزف (۱۳۸۳) *نوجوان و خانواده درمانی*. ترجمه یاسایی مهشید، تهران: انتشارات ققنوس.

نظری انامق، ع (۱۳۸۸) اثربخشی آموزش خود متمایز سازی بر بلوغ حرفه ای دانشجویان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

نیکولز، مایکل بی، شوارتز، ریچارد. (۲۰۰۶) *خانواده درمانی مفاهیم و روش ها*، ترجمه دهقانی، محسن (۱۳۹۳) تهران، انتشارات دانژه، چاپ چهارم.

- Beelmann, A. (2004). Promoting social competence in preschool children: Evaluation of a social problem solving training program as a universal measure for preventing antisocial behavior. *Kindheit und Entwicklung*, 13(2): 113-121.
- Bowen, M. (1976), *Theory in the Practice of Psychotherapy*. INP. J. Guerin, Jr. (Ed), *Family therapy: Theory and Practice*. New York: Gardner press.
- Caroline L. Donovan, Monique C. Holmes, Lara J. (1992) *Farrell Journal of Affective Disorder*, Volume, 1 March 2016, Pages 1-7.
- Carr, H, Hudson JL., (2008). Parent-Child interactions and anxiety disorders: An observational study. *Behav Res Ther*, 39(12): 1411-1427.
- Fischer, T.F. (2006). Are you still performing human sacrifice? *Journal of Social and Behavioral Sciences*, 15, 347-361.
- Gabelman, E. (2012). *The Effects of Locus of Control and Differentiation of Self on Relationship Satisfaction*. Honors Research Thesis. The Ohio state university.
- Granö, N. Marjaana Karjalainen, Klaus Ranta, Maija Lindgren, Mikko Roine, Sebastian Therma *Psychiatry Research*, Volume 237, 30 March 2016, Pages 9-16.
- Heras, J.E. (2008). *A clinical application of Bowen Family Systems theory*. Syracuse family center.
- Hodges, S., Hernandez, M. & Nesman, T. (2003). A developmental framework for collaboration in child-serving agencies. *Journal of Child and Family Studies*, 30(5-291), 305-291.
- Scott, S. (2005). Parent training. *Psychiatry*. 4(9): 126-128.
- Hofmann, Stefan G.; Dibartolo, Patricia M. (2016). "Introduction: Toward an Understanding of Social Anxiety Disorder". *Social Anxiety*. pp. xix-xxvi. doi:10.1016/B978-0-12-375096-9.00028-6. ISBN 978-0-12-375096-9.
- Hooper, L. M. & DePuy, V. (2010) Mediating and moderating effects of differentiation of self on depression symptomatology in a rural community sample. *The Family Journal*, 18: 358-368.

- Hosseinizadeh, Marjansadat. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 113, 7 February 2014, Pages 84-90.
- Kazdin, A. E., Siegel, T. C. & Bass, D. (1992). Cognitive problem solving skillstraining and parent management training in the treatment of antisocialbehavior in children. *Journal of Consulting and Clinical Child Psychology*. ۷۴۷-۷۳۳ : (۵)۶۰.
- Klever, Ph. (2009). Goal differentiation effectiveness, emotional maturity, andnuclear family functioning. *Journal of marital and family therapy*, 35, 3, 303-316.
- Logsdon, C., D. (2004). Early intervention with aggressive boys: A cognitivebehavioralgroup intervention in a school setting. *Dissertation AbstractsInternational Section A: Humanities and Social Sciences*. 64(9-A): pp.3882.
- Losoncz, I.; *Child Abuse & Neglect*, Volume 51, January 2016, Pages 416-42۶.
- Nat.,Ca., Skowron,E.A.(2004) self and attachment in adulthood *Differentiation of ContemporaryFamily therapy*,26(3),337-357 .
- Niemi Päivi M. & Paula T. Vainiomäki Nov 20, 2009 in *Medicine: An International Journal*. Volume 11, Issue 3, 1999 DOI: 10.1207/S15328015TL110302.
- Park J.E & Park K (2001). *Text book of Preventive and Social Medicine: A Treatise on Community Health*, BanarsidasBhanot publishing 13th ed.
- PsychologyReview*33(5):686–697.doi:10.1016/j.cpr.2013.04.003.PMC 4382368. PMID 23702592.
- Peleg, Maissara, Zoabi (2014). *Personality and Individual Differences*, Volume 68, October 2014, Pages 221-228.
- Peleg, O., & Yitzhak, M. (2011). Differentiation of Self and Separation Anxiety: IsThere a Similarity Between Spouses. *Journal of Contemporary Family Therapy*. ۳۶-۲۵ ,(۱)۳۳,
- Peleg-popko, Ora. (2004). Differentiation and test anxiety inAdolescents, university of Haifa. *Journal of Adolescents* ,27,P 649.
- Pin, d, Helfinstein,s, bar-haim, y., nelson, e, 8. Fox, n .(2009) challenges in developing novel treatment for childhood disorders:lessons from research on anxiety neuropsychoharmacology 34 (1) : 213 -28.
- Pineo, P. (2012). Bowen Theory: A studyof differentiation of self, social anxiety, andphysiological symptoms, *contemporary FamilyTherapy*, 24, lss.
- Ruffolo, M. C., Kuhn, M. T. & Evans, M. E. (2005). Support, empowerment, andeducation: a study of multiple family group psychoeducation. *Journal ofEmotional and Behavioral Disorders*, 13(4), 200-212.
- Selm,M. van N.W. Jankowski & L. Tsaliki (2002). Political parties online: Digital democracy as reflected in three Dutch political party Web sites.*Communications : The European Journal of Communication Research*, 27 (2), 189-209. doi: 10.1515/comm.27.2.189
- Skowron EA,Dendy AK.(2004). Differtiation of self and attachment in adulthood. *Contemporary Family Therapy*,26, 337-57.
- Skowron , E.A & Dendy , A.K(2004). Differentiation of self &attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control.*Contemporary Family Therapy*,26,P 339.

- Skowron EA, Schmitt TA. (2004). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity and new DSL fusion with others subscale. *Journal of Marital Family Therapy*, 29, 209-22.
- Skowron E, Friedlander M. (1998). The differentiation of self inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 28, 235-46.
- Skowron E. (2000). The role of differentiation in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47, P 236.
- Steinberg L. Autonomy, conflict, and harmony in the family relationship. In: Feldman SS, Elliott GR, editors. *At the threshold: The developing adolescent*. Cambridge, MA: Harvard University Press; 1990. p. 255-276.
- Tasic, D., Budjanovac, A. & Mešovsek, M. (1997). Parent-child communication in behaviorally disordered and "normal" adolescents. *Psicothema*, 9(3): 547-554.
- Thorberg, F. A; Lyvers, M. (2006). Attachment, fear of intimacy and differentiation of self among clients in substance disorder treatment facilities. *Journal of Addictive Behaviors*, 31, 4, 732-745.
- Tuason, Friedlander (2000). Examining individualism, collectivism, and self-differentiation in African American college women. *Journal of Mental Health Counseling*, 23, 205-213.
- Vallacher (2009). *Encyclopedia of Consciousness*, Pages 313-325.
- Waters AM, Craske MG, Bergman RL et al (2008) Developmental changes in startle reactivity in school-age children at risk for and with actual anxiety disorder. *International Journal of Psychophysiology*, 70(3) 158-64.
- Welander-Vatn, E. Ystrom, K. Tambs, M.C. Neale, K.S. Kendler T. Reichborn-Kjennerud, G.P. Knudsen *Journal of Affective Disorders*, Volume 190, 15 January 2016, Pages 349- 356 .
- Whaby, E., Ora. Halaby, Einaya (2006). The relationship of maternal separation anxiety & differentiation of self to children's separation anxiety & adjustment to kindergarten: in Druze families. *The Journal of Anxiety Disorders*. University of Haifa. P128.
- Zimmer-Gembeck, W.H. Ducat, W.A. (2011). *Collins Encyclopedia of Adolescence*, Pages 66-76.